

## بررسی حق طرفین نسبت به رسیدگی و ارائه دلایل و مستندات دعوی در قضیه سکویهای نفتی

(نقد و بررسی رای شماره ۲۰۰۳/۴  
مورخ ۶ نوامبر ۲۰۰۳ دیوان بین‌المللی دادگستری)

حسین حسن زاده<sup>۱</sup>

احسان حسن زاده<sup>۲</sup>

محمد رضا محمدی<sup>۳</sup>

### چکیده

دعوی جمهوری اسلامی ایران علیه ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۹۲ میلادی (۱۳۷۱ هجری شمسی) در مورد پرداخت غرامت به واسطه حمله ایالات متحده در سال‌های ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ به چهار سکوی نفتی جمهوری اسلامی ایران (سکویهای رشادت، رسالت، سلمان و نصر) که در نهایت در ۶ نوامبر ۲۰۰۳ (۱۵ آبان ۱۳۸۲) منتهی به صدور رای شد، با فراز و نشیب‌های فراوانی روبرو بوده است. ایراد ایالات متحده به عدم صلاحیت دیوان، در نهایت سال ۱۹۹۶ با رای دیوان بر صلاحیت خود خاتمه یافت و دعوی متقابل ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی ایران سبب شد که فرآیند رسیدگی و صدور رای دیوان به طولانی‌ترین رسیدگی قضایی در دیوان بین‌المللی دادگستری تبدیل شود. پس از صدور رای دیوان بعد از گذشت یازده سال و چهار روز از تاریخ ثبت دادخواست، هنوز رای دیوان از پیچیدگی‌های

---

۱. نویسنده مسئول. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز

hossein1369@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز

hossein1369@yahoo.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز

بسیاری برخوردار است به نحوی که علیرغم پذیرش بسیاری از استدلال‌های جمهوری اسلامی ایران و برخی از استدلال‌های ایالات متحده، نهایتاً رای صادر شد که برای هیچیک از طرفین دعوی حقی قائل نشده است. در این مقاله، ابعاد حقوقی رای دیوان را با توجه به قائل نشدن حقی برای طرفین دعوی، مورد نقد و بررسی قرار می‌دهیم.

**واژگان کلیدی:** سکوهای نفتی، دیوان بین‌المللی دادگستری، رای نهایی

### مقدمه

در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰، عراق عملیات نظامی گسترده‌ای را علیه جمهوری اسلامی ایران آغاز کرد که در همان روز، ایران با بکار گرفتن محدودیت‌هایی، نسبت به آزادی کشتیرانی در خلیج فارس واکنش نشان داد. این واکنش شامل تشدید بازرسی کشتی‌های بی طرف با هدف یافتن قاچاق جنگی به مقصد عراق بود. با ورود کشتی‌های نظامی آمریکا به خلیج فارس و بنا بر درخواست دولت کویت مبنی بر همراهی کشتی‌های کویتی توسط ناوهای آمریکایی، این کشور (آمریکا) مبدا و منشا اقدامات نظامی محدود علیه هدف‌های متعلق به ایران شد. بنابراین در ۱۹ اکتبر ۱۹۸۷ میلادی، سکوی نفتی رشادت و رسالت هدف اصابت موشک‌های آمریکایی قرار گرفت. پس از این واقعه، ایالات متحده آمریکا با استناد به اصل ۵۱ منشور ملل متحد، این اقدام را دفاع مشروع معرفی کرد. در ۱۸ آوریل ۱۹۸۸ سکوهای نفتی سلمان و نصر در خلیج فارس نیز هدف حمله ناوهای آمریکایی قرار گرفت و آمریکا دوباره همان استدلال را مطرح کرد. جمهوری اسلامی ایران در اثر این حملات، آسیب‌های اقتصادی فراوانی را متحمل

شد و از سقف صادرات نفت ایران بیش از ۵۲۰ هزار بشکه در روز کاسته شد.<sup>۱</sup> واضح بود که جبران چنین خسارات عظیمی، با مذاکره و میانجی‌گری ممکن نبود. بنابراین، جمهوری اسلامی ایران در ۲ نوامبر ۱۹۹۲، با ارائه دادخواستی علیه ایالات متحده آمریکا نزد دیوان بین‌المللی دادگستری، اقامه دعوی کرد. *خواسته‌های ایران در این دادخواست عبارت بودند از:*

الف) پذیرش نقض موضوع معاهده مودت توسط آمریکا از سوی دیوان به استناد مواد ۱ (صلح و دوستی پایدار) و ۲<sup>۱۰</sup> (تضمین آزادی کشتیرانی و تجارت) در معاهده مذکور.

ب) مکلف نمودن آمریکا به پرداخت خسارت به ایران به دلیل نقض معاهده مودت و بر اساس قواعد عام حقوق بین‌الملل به میزان تعیین شده از سوی دیوان. از آنجایی که مراجعه به دیوان بین‌المللی دادگستری با توافق موخر طرف‌های اختلاف یا با ارائه دلیلی برای (صلاحیت اجباری) دیوان ممکن است، دولت ایران به لحاظ عدم وجود توافق، میبایست دلیلی برای صلاحیت دیوان پیدا میکرد تا آمریکا را ملزم به حضور و پاسخگویی در دیوان کند. تنها معاهده‌ای که این امکان را در قضیه مزبور ایجاد میکرد، عهدنامه دوجانبه مودت، روابط اقتصادی و حقوق کنسولی<sup>۳</sup> منعقد شده در ۱۹۵۵ میلادی در تهران بود. بر اساس بند ۲ ماده ۲۱ این

۱. پاک شیر، محمدعلی، ارزیابی حکم قطعی دیوان بین‌المللی در خصوص پرونده سکوه‌های نفتی ایران، مجله الهیات و حقوق، شماره ۱۳، صص ۱۰۷-۷۳

۲. بند ۱ ماده ۱۰ عهدنامه مقرر می‌دارد: بین قلمروهای دوطرف معظمین متعاهدین آزادی تجارت و دریانوردی برقرار خواهد بود.

3. Treaty of Amity, Economic Relation and Consular Rights

عهدنامه<sup>۱</sup>، در صورت بروز اختلاف بر سر اجرای معاهده، امکان مراجعه به دیوان بین‌المللی دادگستری وجود دارد. بنابراین، دولت جمهوری اسلامی ایران، با استناد به این عهدنامه، خواهان دریافت خسارات ناشی از این حمله به منابع اقتصادی خود شد.

بر طبق دستور رئیس دیوان، تاریخ ۸ ژوئن ۱۹۹۳ مهلت لازم برای ارائه لایحه ایران و تاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۹۳ برای ارائه لایحه متقابل آمریکا تعیین شد. در این زمان، دولت ایالات متحده، اعتراض مقدماتی خود را طبق بند ۱ ماده ۷۹ آیین دادرسی دیوان، مطرح کرد و اظهار داشت:

الف) اختلاف موجود بین دو دولت بطور مستقیم به حقوق توسل به زور به ویژه دفاع از خود مربوط می‌شود و نمی‌توان عهدنامه مودت را مبنای آن قرار داد.  
 ب) عهدنامه مودت فاقد ارتباط عقلایی با اختلاف مطرح شده می‌باشد.  
 ج) ماده ۱ عهدنامه، تعهد ملموس و مشخصی را در بر نمی‌گیرد.  
 د) ماده ۴ صرفاً مرتبط با رفتار عادلانه و منصفانه با اتباع هر یک از دولتها در قلمرو سرزمینی طرف دیگر است. بنابراین محدودیت سرزمینی وجود دارد.  
 ه) تعهدات ماده ۱۰ صرفاً به خرید و فروش کالا مرتبط است و میبایست واژه تجارت مضیق تفسیر شود.<sup>۲</sup>

بنابراین، با توجه به بند ۳ ماده ۷۹ آیین دادرسی دیوان، رسیدگی در ماهیت به حالت تعلیق درآمد و دیوان نیز تاریخ اول جولای ۱۹۹۴ را برای ارائه بیانیه مکتوب

۱. بند ۲ ماده ۲۱ این عهدنامه اشعار داشته است: هر اختلاف بین دو طرف معظمین متعاهدین در مورد تفسیر و اجرای عهدنامه کنونی که از طریق دیپلماسی به نحو رضایت بخش فیصله نیابد، به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع خواهد شد، مگر اینکه دوطرف معظمین متعاهدین موافقت کنند که اختلاف به طرق صلح جویانه دیگری حل شود.  
 ۲. سادات میدانی، حسین، (۱۳۸۲)، «گزارشهای انتخابی از نمایندگان جمهوری اسلامی ایران: فرجام چهارمین حضور ایران در محضر دیوان بین‌المللی دادگستری: قضیه سکوه‌های نفتی»، مجله رویدادها و تحلیل‌ها، شماره ۱۷۵، صص ۴۹-۴۱

جمهوری اسلامی ایران در مورد اعتراض مقدماتی مطرح شده از سوی آمریکا تعیین کرد.

در روزهای ۱۶ و ۲۴ سپتامبر ۱۹۹۶، دیوان استماعات عمومی<sup>۱</sup> خود را درباره ایراد مقدماتی آمریکا در مورد صلاحیت برگزار کرد و پس از شنیدن نظر دو طرف و بررسی لوایح و اظهارات آنها، طی حکمی به تاریخ ۱۲ دسامبر ۱۹۹۶، ایراد مقدماتی آمریکا نسبت به صلاحیت دیوان را رد و صلاحیت خود را بر مبنای بند ۱ ماده ۱۰ عهدنامه مودت احراز کرد.<sup>۲</sup> پس احراز صلاحیت دیوان، پرونده وارد مرحله رسیدگی ماهوی گردید.

پس از ناکام ماندن در بازداشتن دیوان از رسیدگی به این دعوی، ایالات متحده در ۲۳ ژوئن ۱۹۹۷، دعوی متقابلی<sup>۳</sup> را به موجب ماده ۸۰ آیین دادرسی دیوان، ثبت کرد. ایالات متحده در این دعوی، موارد ذیل را ادعا نمود:

الف) محکومیت جمهوری اسلامی ایران که با حملات متعدّد خود به کشتیهای بی طرف و مین گذاریهای وسیع در خلیج فارس و دیگر اقدامات نظامی در طول چهار سال (۱۹۸۴ - ۱۹۸۸ م.)، آزادیهای مقرر و تضمین شده کشتیرانی و تجاری در خلیج فارس را به خطر انداخته است و بدین ترتیب، تعهدات خود را نسبت به ایالات متحده آمریکا به موجب ماده ۱۰ عهدنامه مودت نقض کرده است. ب) دیوان، جمهوری اسلامی ایران را مکلف کند تا به دلیل نقض تعهدات قراردادی پیش گفته، غرامت کامل به میزانی که دیوان تعیین کند، به آمریکا بپردازد.<sup>۴</sup>

1. Public Hearings

2. I.C.J. Reports, Case concerning Oil Platforms, Islamic Republic of Iran vs. United States of America, 6 Nov. 2003, Para, 3

3. Counter-Cleimes

4. Ibid, Para, 9

جمهوری اسلامی ایران نیز طی نامه ای به دیوان در مورخ ۱۲ اکتبر ۱۹۹۷ اعلام کرد که ادعای متقابل آمریکا، فاقد شرایط مندرج در بند ۱ ماده ۸۰ آیین دادرسی دیوان است.<sup>۱</sup> همچنین در ۱۸ نوامبر ۱۹۹۷ ایران، سندی را تحت عنوان (درخواست استماع در ارتباط با ادعای متقابل آمریکا طبق بند ۳ ماده ۸۰ آیین دادرسی دیوان) تسلیم دیوان کرد که متضمن نقطه نظارت خود در زمینه قابلیت پذیرش ادعای متقابل خود که بخشی از لایحه متقابل آن دولت را تشکیل میداد، با لحاظ کردن نقطه نظرهای جمهوری اسلامی ایران تسلیم دیوان کرد<sup>۲</sup> لکن دیوان این ایراد ایران را رد کرد و طی قرار مورخ ۱۰ مارس ۱۹۹۸ خود اعلام کرد که دعوی متقابل از جانب آمریکا، قابل رسیدگی است<sup>۳</sup> و بخشی از جریان‌های رسیدگی<sup>۴</sup> موضوع حاضر را تشکیل میدهد.

با این تحولات، جمهوری اسلامی ایران و آمریکا، به ترتیب پاسخ و باز پاسخ<sup>۵</sup> خود را در تاریخ‌های ۱۰ مارس ۱۹۹۹ و ۲۳ نوامبر ۲۰۰۰ تهیه و تسلیم دیوان کردند. در ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۰ ایران برای دومین مرتبه نظرهای خود را در زمینه ادعای تقابل آمریکا تسلیم دیوان کرد.<sup>۶</sup> بدنبال این تحولات، در نوامبر ۲۰۰۲، نمایندگان دو طرف در حضور رئیس دیوان توافق کردند که رسیدگی‌های شفاهی درباره ماهیت دعاوی از مورخ ۱۷ یا ۱۸ فوریه ۲۰۰۳ آغاز شود. دیوان با شنیدن نظر دو طرف، ۱۷

1. Ibid, Para, 10

۲. جوانمرد، مجید، (۱۳۸۴) رسیدگی قضایی دیوان بین المللی دادگستری به قضیه سکوه‌های نفتی جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران، شماره ۲۶ ص ۲۲

3. I.C.J. Reports, 2003 ,Case Concerning Oil Platforms , Para, 11

4. Admissible

5. Rejoinder

۶. جوانمرد، همان، ص ۲۲

فوریه ۲۰۰۳ را به منزله تاریخ شروع استماعات شفاهی مقرر کرد.<sup>۱</sup> این جلسات تا ۷ مارس ۲۰۰۳ به طول انجامید. در جلسات استماع عمومی دیوان، جمهوری اسلامی ایران از دیوان خواست تا به موضوع مطروحه رسیدگی کند و اعلام نماید که:

الف) در حمله به سکوه‌های مورد اشاره در دادخواست ایران، ایالات متحده تعهدات خود را در قبال ایران بر اساس بند ۱ ماده ۱۰ عهدنامه مودت نقض کرده است. بنابراین مسئولیت آن حملات را بر عهده دارد.

ب) بنابراین دولت ایالات متحده به پرداخت غرامت کامل به ایران به دلیل نقض تعهدات حقوقی بین‌المللی خود متعهد است و میزان خسارت وارد شده بعداً، در مراحل بعدی رسیدگی از سوی دیوان تعیین خواهد شد، این حق ایران محفوظ است که به موقع و پس از ارزیابی دقیق، غرامت قابل پرداخت از سوی ایالات متحده را به دیوان ارائه دهد.

ج) هر نوع جبران دیگری که دیوان مقتضی بداند.<sup>۲</sup>

در جلسه استماع عمومی دیوان ۵ مارس ۲۰۰۳، دولت ایالات متحده و نیز در مورد دعوی ایران و همچنین دعوی متقابل خود از دیوان خواست تا رسیدگی و اعلام کند که:

الف) بر اساس بند ۱ ماده ۱۰ عهدنامه ۱۹۵۵، آمریکا تعهدات خود را در قبال جمهوری اسلامی ایران نقض نکرده است.

ب) در صورت درستی مورد نخست، ادعای جمهوری اسلامی ایران مردود است.

۱. رضایی، صالح، (۱۳۸۲) تاملی بر رای ۶ نوامبر ۲۰۰۳ دیوان بین‌المللی دادگستری در مورد سکوه‌های نفتی ایران، نگین ایران، شماره ۶، صص ۳۰-۴۲.

2. I.C.J. Reports, 2003, Case Concerning Oil Platforms, Para 20

آمریکا در مورد دعوای متقابل خود نیز از دیوان درخواست کرد که به موارد ذیل رسیدگی و اعلام نماید که:

الف) ایران در حمله به کشتی در خلیج فارس، از طریق مین‌ها و موشک‌ها یا دیگر اقدامات نظامی که محل تجارت و دریانوردی بین ایالات متحده و ایران بوده است، تعهدات خود را در قبال ایالات متحده بر اساس بند ۱ ماده ۱۰ عهدنامه ۱۹۵۵، نقض کرده است؛

ب) بنابراین، جمهوری اسلامی ایران به جبران کامل خسارات وارد شده به ایالات متحده در قبال نقض تعهدات خود بر اساس عهدنامه ۱۹۵۵ متعهد می‌باشد.<sup>۱</sup> مطالب گفته شده، شرح موضوع مطروحه در دیوان در طول ۱۱ سال رسیدگی می‌باشد. سرانجام رای دیوان در ۶ نوامبر ۲۰۰۳ (۱۵ آبان ۱۳۸۲) صادر گردید. یکی از ویژگی‌های این دعوی این بود که بر خلاف قضیه گروگانگیری و ایرباس، طرفین به طور فعالانه در جلسات دیوان شرکت کردند و لوائح و دفاعیات خود را ارائه کردند.

با ذکر این مقدمه، اکنون به پیشینه دعوی و سپس به تحلیل ادعاهای طرفین و رای دیوان می‌پردازیم.

### پیشینه موضوع

شرکت ملی نفت ایران تاسیسات نفتی متعددی در فلات قاره و منطقه اقتصادی-انحصاری ایران در خلیج فارس دارد. تاسیسات نفتی «رشادت» و «رسالت» و سکوه‌های نفتی آنها که چهل حلقه چاه نفت را به هم متصل می‌کند، برای تولید روزانه حدود ۲۰۰ هزار بشکه نفت احداث شده بود. این تاسیسات، نفت

1. Ibid, Para, 20



را از این چاه‌ها جمع‌آوری و با انتقال آن به جزیره «لاوان» برای صدور به خارج، آماده می‌کرد. تاسیسات نفتی «نصر» و «سلمان» و سکوهای مستقر در آنها نیز مشتمل بر ۳۸ حلقه چاه برای تولید روزانه ۳۲۰ هزار بشکه نفت بود که از جزیره «سیری» صادر می‌شد. در طول جنگ تحمیلی، عراق با حملات مکرر خود به سکوهای نفتی، خساراتی را به آنها وارد ساخت. ناوهای جنگی آمریکا در خلیج فارس نیز در دو مرحله به این تاسیسات حمله کردند که منجر به انهدام آنها شد.<sup>۱</sup>

### الف) حمله به سکوهای «رسالت» و «رشادت»

در ۱۶ اکتبر ۱۹۸۷، یک نفت‌کش کویتی به نام سی ایل سیتی<sup>۲</sup> که تحت پرچم آمریکا بود، مورد اصابت یک فروند موشک کرم ابریشم قرار گرفت. پس از این حادثه، ایالات متحده آن را به ایران نسبت داد و سه روز بعد در ۱۹ اکتبر چند ناو آمریکایی به سکوی نفتی ایرانی رشادت حمله و آن‌ها را منهدم کردند. سکوی رشادت از طریق لوله‌های زیر دریایی به مجموعه ای دیگر یعنی رسالت مرتبط بود که مورد حمله آمریکایی‌ها قرار گرفت. سپس آمریکایی‌ها این حملات را در قالب دفاع مشروع توجیه کردند.<sup>۳</sup> نماینده ایالات متحده در شورای امنیت سازمان ملل متحد، این حملات را این گونه توجیه کرد که: «مطابق ماده ۵۱ منشور ملل متحد، من به نیابت از دولت خود اعلام می‌کنم که نیروهای ایالات متحده در این حمله با اتخاذ اقدامات دفاعی در پاسخ به حملات جمهوری اسلامی ایران به کشتی‌های ایالات متحده در خلیج فارس، حق ذاتی دفاع مشروع خود بر اساس حقوق بین‌الملل را اعمال کرده است...»<sup>۴</sup> سپس نماینده ایالات متحده، واقعه رخ داده شده

۱. پاک شیر، همان، ص ۷۷

2. Sea Isle City

3. Ibid, para, 25

4. Ibid, para, 48

را اینگونه بیان میکند: «... در ۱۶ اکتبر ۱۹۸۷، کشتی سی ایل سیتی، که پرچم ایالات متحده بر فراز آن افزاشته شده بود، در آبهای سرزمینی کویت، هدف یک فروند موشک کرم ابریشم نیروهای ایرانی مستقر در سرزمین‌های اشغالی عراق قرار گرفت. این حمله آخرین حمله از سلسله حملات موشکی علیه کشتی‌های با پرچم امریکا و نیز دیگر کشتی‌های غیر متخاصم در آبهای کویت بوده است. همینطور این اقدامات، آخرین اقدامات از سلسله حملات غیر قانونی نیروهای ایرانی علیه ایالات متحده از جمله مین گذاری در آبهای بین المللی برای غرق کردن کشتی‌های تحت پرچم آمریکا یا وارد آوردن خسارات به آنها و گشودن آتش به هواپیماهای ایالات متحده بوده است. در ۱۹ اکتبر ۱۹۸۷ در ساعت ۷ صبح به وقت آمریکا، کشتی‌های نیروی دریایی این کشور سکوی ایرانی رشادت معروف به رستم را در آبهای بین المللی خلیج فارس منهدم کردند. نیروهای نظامی مستقر در این سکو در سلسله اقداماتی علیه کشتی‌های تحت پرچم امریکا و نیز دیگر کشتی‌ها و هواپیماهای کشورهای غیر متخاصم دخالت داشته اند. آنها از طریق رادار و دیگر وسایل، مسیر حرکت کشتی‌های آمریکایی را تحت نظر میگرفتند، در مسیر کشتی‌های ما مین می کاشتند؛ به قایق‌های کوچکی که علیه کشورهای غیر متخاصم حمله می کردند، کمک می رساندند؛ و سرانجام به بالگردهای نظامی آمریکا در ۱۸ اکتبر ۱۹۸۷ آتش گشودند که البته پیش از حمله نیروهای آمریکایی به سکو، دستور تخلیه آن را صادر کردند.»<sup>۱</sup> به غیر از استناد به دفاع مشروع، ایالات متحده حملات خود را با توسل به قسمت د بند ۱ ماده ۲۰ عهدنامه مودت<sup>۲</sup> نیز

1. Ibid, para, 48

۲. قسمت د بند ۱ ماده ۲۰ این عهدنامه میگوید: عهدنامه کنونی مانع اجرای اقدامات زیر نخواهد بود... (د) اقدامات لازم برای ایفای تعهد یک طرف معظم متعاهد برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین المللی یا برای حفظ منافع اساسی طرف مزبور از نظر امنیتی

توجیه می‌نمود. نماینده امریکا چنین استدلال نمود که: «اقدامات ایران طی این دوره، تهدیدی علیه منافع اساسی آمریکا محسوب شده است و در نتیجه حملات مکرر ایران به کشتی‌های بی‌طرف، جریان بازرگانی دریایی در خلیج فارس به خطر افتاده و جان اتباع آمریکا با خطر روبرو شده بود؛ بطوری که نیروی دریایی آمریکا در ایفای وظایف امنیتی خود با مانع روبرو شده است و دولت و اتباع آمریکا خسارات مالی شدیدی را متحمل شدند؛ بنابراین در این وضعیت اقدام مسلحانه در مقام دفاع مشروع، تنها راه ممکن برای پیشگیری از تکرار حملات ایرانیان بود.»<sup>۱</sup> در مقابل ایران با اقتدار این ادعا را تکذیب و در جواب عنوان کرد که حداکثر برد موشک کرم ابریشم ۸۵ کیلومتر است در حالی که کشتی کویتی در هنگام اصابت در فاصله ای معادل ۱۱۰ کیلومتر از جزیره فاو قرار داشته است؛ همچنین اظهار کرد که درسکوه‌های هدف حمله آمریکا، هیچ هدف نظامی وجود نداشته و آنها درگیر هیچ نوع فعالیت نظامی نبوده‌اند.<sup>۲</sup> پس از آن دیوان دریافت که آمریکا به اعمال حق دفاع از خود جمعی به نمایندگی از دولت‌های بی‌طرف درگیر در امر کشتیرانی خلیج فارس استناد نموده است. بنابراین به منظور اثبات این ادعا که این کشور در حمله به سکوه‌های نفتی ایران در چارچوب اعمال حق دفاع از خود فردی اقدام نموده است، این کشور می‌بایست نشان می‌داد که ایران مسئول حملات انجام شده علیه او بوده است و این حملات از ماهیتی همانند (حمله مسلحانه) در مفهوم عبارات ماده ۵۱ منشور ملل متحد برخوردار بوده‌اند. ایالات متحده همچنین می‌بایست نشان می‌داد که اقدامات او ضروری و متناسب با حمله مسلحانه انجام پذیرفته علیه او بوده و این که سکوه‌های نفتی اهداف نظامی مشروعی

1. I.C.J. Reports, 2003, Case Concerning Oil Platforms, Para 49

2. Ibid, Para, 50

تلقی می‌شده‌اند که امکان حمله به آنها در راستای اعمال دفاع از خود وجود داشته است.

ایالات متحده آمریکا برای اثبات اینکه حمله موشکی به کشتی سی ایل سیتی از جانب ایران صورت گرفته است، عکسها و تصاویر ماهواره ای و هوایی را به دیوان ارائه کرد که نشان می‌داد در منطقه فاو، که در زمان حمله به کشتی مزبور، تحت تصرف و کنترل ایران بود، چهار سایت موشکی (از نوع شلیک شونده به کشتی) وجود داشته است. برای انتساب عمل حمله به کشتی به ایران، ایالات متحده همچنین، شهادت نامه ای را به دیوان ارائه کرد که در آن، دو نفر از افسران کویت به شلیک شش فروند موشک از منطقه فاو از سوی نیروهای ایرانی شهادت داده بودند. در این شهادت نامه، یکی از افسران مدعی شده بود که شخصا مسیر موشکی را که در ۱۶ اکتبر ۱۹۸۷ به کشتی سی ایل سیتی برخورد کرده بود، دیده است.<sup>۱</sup> در مقابل ایران ادعاهای آمریکا را رد کرد. هر چند که نمایندگان ایران، وجود سه سایت موشکی عراق در منطقه فاو در سال ۱۹۸۶ را تایید کردند اما اظهار داشتند که سایت‌های مزبور در جریان جنگ با عراق به شدت آسیب دیده و در طول مدتی که نیروهای ایرانی فاو را در تصرف داشتند، غیر فعال بودند؛ بنابراین حمله به کشتی مزبور نمی‌توانست از آن سایت‌ها یا دیگر سایت‌های موشک کرم ابریشم صورت بگیرد. ایران همچنین اظهار کرد که تصویرها و عکس‌های ماهواره‌ای و هوایی ارائه شده از سوی آمریکا واضح نیستند و سایت‌ها و تاسیسات نشان داده شده در آنها به سایت‌های موشک کرم ابریشم هیچ شباهتی ندارد.<sup>۲</sup> ایران همچنین شلیک موشک به سمت کشتی سی ایل سیتی را به عراق منتسب کرد.<sup>۳</sup>

1. Ibid, Para, 53

2. Ibid, Para,54

3. Ibid, para,55

دیوان به منظور رسیدگی ماهوی به این قضیه در وهله اول به این نکته اشاره کرد که در زمان حمله، این مجموعه‌ها به دلیل حملات قبلی عراق نفت تولید نمی‌کرده‌اند.<sup>۱</sup> در مقابل ایران ادعا کرد که عملیات بازسازی این سکوها در اکتبر ۱۹۸۷ در حال اتمام بوده که در نتیجه حملات ایالات متحده، یکی از سکوها بطور کامل تخریب شد و به دیگری به شدت خسارت وارد آمد. این امر سبب توقف تولید از سکوه‌های رسالت و رشادت برای چندین سال شد. در نهایت دیوان اشعار می‌دارد: «دیوان با دقت زیاد به اسناد و استدلال‌ات ارائه شده به وسیله هر طرف، آنها را مورد ارزیابی قرار داده است» و ضمن رد ادعای آمریکا اشعار می‌دارد: «...به هر حال، دیوان عکسهای ماهواره‌ای را برای اثبات حقیقت کافی تشخیص نمی‌دهد. هر چند افسر کویتی درباره شلیک شدن موشک خاصی از سمت فاو شهادت می‌دهد و مدعی است که پرواز موشک بر فراز آسمان را مشاهده کرده است و قادر به تشخیص مسیر پرواز آن به طور تقریبی آن می‌باشد، اما این شهادت، ۱۰ سال پس از وقوع حوادث ارائه شده است، ضمن آنکه افسر نامبرده نمی‌گوید که شلیک موشک را دیده است. همین طور وی، اصابت موشک به کشتی سی ایل سیتی را مشاهده نکرده است بلکه صرفاً عبور موشک از بالای سر خود و اصابت موشکی به آن کشتی را دقایقی بعد از آن، رویت کرده است. بدین ترتیب دلیل شهادت در اینجا نمی‌تواند مورد استناد واقع شود...»<sup>۲</sup>

پس از رد این ادعا توسط دیوان، دولت ایالات متحده ادعا کرد که حمله به کشتی سی ایل سیتی تنها یکی از موارد حمله مسلحانه علیه این دولت است و جمهوری اسلامی ایران حملات دیگری نیز علیه آن تدارک دیده است که از مصادیق حمله مسلحانه به مفهوم مقرر در ماده ۵۱ منشور ملل متحد محسوب

1. Ibid, Para,para,59,60

2. Ibid, Para, 58

می‌شود. آمریکا در این زمینه به اقداماتی نظیر مین گذاری در مسیر کشتی بریجتون<sup>۱</sup> (تحت پرچم آمریکا) در ۲۷ جولای ۱۹۸۷، مین گذاری در مسیر کشتی آمریکایی تکراکو کارابین<sup>۲</sup> در ۱۰ اوت ۱۹۸۷ و گشودن آتش از سوی قایق‌های تندروی ایرانی به سمت بالگردهای نیروی دریایی آمریکا از جانب سکوی نفتی رشادت در ۱۸ اکتبر ۱۹۸۷ اشاره کرد و مدعی شد که نیروهای این کشور مدارک و دلایلی در اختیار دارند که بر مین گذاری کشتی ایران ارج در آبهای بین‌المللی دلالت می‌کند. در مقابل، جمهوری اسلامی ایران ضمن تایید حمل مین با کشتی ایران ارج، مین گذاری از سوی آن را نپذیرفت و اظهار کرد که ماموریت کشتی مزبور، حمل و نقل مین‌ها از طریق یک مسیر امن به یک منطقه کاملاً متفاوت بوده است.<sup>۳</sup>

دیوان پس از بررسی ادعاها و ادله دولت ایالات متحده و همچنین اظهارات جمهوری اسلامی ایران، چنین نتیجه می‌گیرد که ادله ارائه شده برای ادعای ایالات متحده، مبنی بر مسئولیت ایران برای حمله به کشتی نفتکش سی ایل سیتی کافی نیست و آمریکا نتوانسته است وجود «حمله مسلحانه» از سوی ایران علیه آمریکا را در قالب حملات موشکی علیه کشتی سی ایل سیتی را به اثبات برساند.<sup>۴</sup>

با این حال، ایالات متحده در بیانیه خویش به شورای امنیت و در لوایح خویش به دیوان اظهار داشته است که حادثه سی ایل سیتی در میان حملات موشکی علیه کشتی‌های با پرچم ایالات متحده و سایر کشتی‌های بی‌طرف در آب‌های کویت، آخرین مورد بوده است. در این خصوص دیوان چنین اظهار کرد که حتی چنانچه این حوادث را مجتمعا در نظر بگیرید و موضوع مسئولیت ایران را نیز کنار بگذارد

1. Brigeton

2. Texaco Carabbean

3. I.C.J. Reports, 2003, para,63

4. Ibid,Para, 64

باز هم نمی‌تواند این حملات را به عنوان یک حمله مسلحانه علیه آمریکا قلمداد نمود.<sup>۱</sup>

### حمله به سکوهای نفتی نصر و سلمان

دومین حمله آمریکا در ۱۸ آوریل ۱۹۸۸ صورت گرفت. سکوهای نفتی «نصر» و «سلمان» که تعمیرات آنها پایان یافته بود، پس از دریافت یک اخطار کوتاه مدت جهت ترک محل توسط پرسنل این سکوها؛ بوسیله چندین فروند هواپیما، هلیکوپتر، هواپیمای آواکس، چند رزم‌نوا و ناوشکن مورد شلیک دهها توپ و کار گذاشتن مواد منفجره قرار گرفت و بطور کامل تخریب گردیدند. در این حملات، چند رزم‌نوا ایرانی غرق و عده زیادی از افراد نیروی دریایی و نیز افراد غیر نظامی کشته و زخمی شدند و فعالیت مجموعه سلمان برای چهار سال به طور کامل متوقف شد. بهانه آمریکا برای دومین حمله، استفاده ایران از این سکوها برای مین‌گذاری در مسیر کشتیرانی بین‌المللی در خلیج فارس بود که در اثر آن، یک کشتی امریکایی (ساموئل بی رابرتس)<sup>۲</sup> با مین برخورد کرده و چند تن از خدمه آن کشته و زخمی شدند. بلافاصله پس از این حمله، دفتر نمایندگی ایالات متحده در شورای امنیت سازمان ملل، در راستای توجیه این اقدام خود چنین ادعا کرد که: «با اتخاذ اقدامات دفاعی در پاسخ به حمله ایران علیه یک کشتی جنگی (ساموئل بی رابرتس) در آبهای بین‌المللی خلیج فارس، ایالات متحده حق ذاتی دفاع از خود را طبق حقوق بین‌الملل اعمال کرده است.»<sup>۳</sup> آمریکا مدعی است که این سکوها از جانب ایران برای سازماندهی حملات هلی‌کوپترها و قایق‌های تندرو نیروهای

1. Ibid, Para, 64

2. Samuel B Roberts

3. I.C.J. Reports, 2003, para, 68

نظامی ایرانی و فراهم کردن امکانات لازم برای مین گذاری در خلیج فارس علیه کشتی‌های دول بی طرف استفاده شده است. ایران توسل برنامه ریزی شده به مین ریزی در خلیج فارس را رد و اظهار کرد که دلیل ارائه شده از سوی آمریکا قانع کننده نمی باشد. همین طور ایران ادعا کرد که آمریکا دلیل مستقلاً ارائه نداده است که کاشت مینی که به کشتی مذکور برخورد کرده است، به ایران منتسب بوده است.<sup>۱</sup>

آمریکا همچنین با این ادعا که سکوهای نفتی ایران اهداف نظامی محسوب می شود، در آن زمان اقدام خود را بر اساس حق دفاع مشروع و ماده ۵۱ منشور ملل متحد توجیه کرد. در مقابل، جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد که این اقدام آمریکا علیه سکوهای ایرانی (که صرفاً اهداف تجاری محسوب می شوند) توسل غیر قانونی به زور تلقی می شود.

دیوان ادعای آمریکا را مبنی بر اینکه مین اصابت کرده به کشتی رابرتز مشخصاً از سوی ایران کاشته شده است را رد کرد و آن را منتسب به ایران ندانست. دیوان در این مورد اظهار کرد: «... دیوان بر این نظر است که مین‌ها در زمان جنگ ایران و عراق از سوی هر دو کشور کاشته شده است؛ بنابراین دلیل عملیات مین ریزی از سوی ایران در مورد مسئولیت ایران برای این مین ریزی خاص، قاطع<sup>۲</sup> نمی باشد...»<sup>۳</sup>

### نقد رای

دیوان بین المللی دادگستری پس از استماع اظهارات دو طرف دعوی، نهایتاً در تاریخ ۶ نوامبر ۲۰۰۳، حکم نهایی خود را در خصوص پرونده سکوهای نفتی ایران در سه بخش مجزا تنظیم و صادر کرد که مهمترین نکات آن به شرح ذیل است:

1. Ibid, para, 70

2. Conclusive

3. I.C.J. Reports, 2003, para, 71



در بخش اول، دیوان اقدامات نظامی دولت آمریکا علیه چهار سکوی نفتی ایران با توجه به قواعد حقوق بین الملل در خصوص ممنوعیت استفاده از زور بر خلاف ادعاهای آمریکا و به موجب بند ۱ ماده ۲۰ عهدنامه مودت اقدامی که «ضروری حفظ منافع و امنیت حیاتی آمریکا» باشد، تشخیص نداد.

در بخش دوم، دیوان استدلال دولت ایران مبنی بر اینکه اقدامات نظامی آمریکا علیه سکوهای نفتی «آزادی تجاری بین قلمرو دو دولت» مصرح در بند ۱ ماده ۱۰ عهدنامه مودت را نقض کرده است، نپذیرفت؛ لذا درخواست ایران در خصوص دریافت خسارات وارده به سکوها و قطع فعالیت اقتصادی آنها را رد کرد.

در بخش سوم حکم، دیوان ادعای متقابل آمریکا را مبنی بر اینکه مین گذاری و شلیک موشک از ناحیه ایران و اصابت آنها به کشتی‌های آمریکایی، «آزادی کشتیرانی بین قلمرو دو دولت» مصرح در بند ۱ ماده ۱۰ عهدنامه مودت را نقض کرده و ایران مکلف به پرداخت خسارت است را نیز رد کرد.

با توجه به وضعیت خاص دعوی مطروحه و دفاعیات بعمل آمده از سوی طرفین دعوی، رای صادره از سوی دیوان در سه بخش قابل بررسی می‌باشد: الف) رد دادخواست غرامت ایران ب) رد دادخواست غرامت آمریکا ج) رد ادعای دفاع مشروع آمریکا

### الف) رد دادخواست غرامت ایران

بند دو حکم نهایی دیوان ناظر به این است که اقدامات نظامی آمریکا در تخریب سکوهای ایرانی، نقض تعهد قراردادی دولت آمریکا به موجب بند ۱ ماده ۱۰ عهدنامه مودت نیست؛ لذا درخواست ایران برای دریافت غرامت نیز مورد تایید دیوان نیست. تجزیه و تحلیل چنین حکمی مستلزم دقت در کلمات بکار رفته در ماده ۱۰ می‌باشد که چنین مقرر می‌دارد: «بین قلمرو دولتین متعاقد باید آزادی

تجاری و کشتیرانی وجود داشته باشد»<sup>۱</sup> پیش از این، دیوان در رای ۱۲ دسامبر ۱۹۹۶ به منظور تایید و توصیف دامنه صلاحیت خود، مجال آن یافته بود که در خصوص برخی از مواد عهدنامه ۱۹۵۵ بخصوص بند ۱ ماده ۱۰ آن، تفاسیری را ارائه نماید. دیوان در این سال پس از بررسی استدلالات طرفین در خصوص «آزادی تجارت» به این نتیجه رسیده بود تفسیر عادی از کلمه «تجارت» مندرج در بند ۱ ماده ۱۰ میبایست مد نظر قرار گیرد. از دیدگاه دیوان، این کلمه صرفاً به مفهوم عمل داد و ستد نمی باشد و مشتمل بر هرگونه فعالیت مرتبط با امر تجارت نیز می شود. در آن رای، دیوان همچنین ذکر کرده بود که «به این مسئله نمی پردازد که آیا این تعهد تنها محدود به تجارت بین سرزمین دو طرف می گردد یا خیر؟» دیوان در این رای خود همچنین تاکید نموده بود که بند ۱ ماده ۱۰ عهدنامه، تنها از حمایت از «تجارت» سخن نمی گوید و شامل «آزادی تجارت» نیز می گردد. دیوان همچنین بیان داشت که تولید نفت ایران، به عنوان بخش حیاتی اقتصاد کشور، بخش مهم تجارت خارجی را تشکیل می دهد و بر اساس مدارک موجود، دیوان نمی تواند تصمیم بگیرد که «آیا تخریب سکوهای نفتی بر تجارت صادرات نفت تاثیرگذار بوده است یا خیر.»<sup>۲</sup> دیوان بیان میکند که هر گاه دولتی ابزار و ادوات تولید و انتقال کالاهای مورد صادرات را تخریب نماید اساساً این امر به مفهوم خدشه در آزادی تجارت بین الملل می باشد. بنابراین دیوان نتیجه می گیرد که: «آزادی تجارت» مندرج در بند ۱ ماده ۱۰ عهدنامه به سکوهای نفتی نیز قابل تسری است و حملات ایالات متحده، آزادی تجارت ایران را با خلل مواجه ساخته است.

۱. پاک شیر، همان، ص ۸۳

۲. رای ۱۹۹۶ دیوان، پاراگراف ۵۱

با این حال، این سؤال باقی می‌ماند که آیا در قضیه مطرح شده مداخله‌ای در آزادی تجارت بین «سرزمین‌های دوطرف متعاقد» بوده است یا خیر؟<sup>۱</sup>

از دیدگاه وکلای دولت ایران، اختلال در فعالیت عادی سکوها نفتی و حتی قطع کامل فعالیت‌های بعضی از آنها در اثر حملات ناوهای جنگی آمریکا، به معنای نقض تعهد قراردادی از سوی آمریکاست. اما وکلای دولت آمریکا معتقد بودند که مفهوم کلمه تجارت در ماده ۱۰، صرفاً «تجارت‌های دریایی» را تحت پوشش حمایتی خود قرار می‌دهد نه «صادرات نفت». همچنین، ذکر وصف «قلمرو» در متن ماده مذکور، از آن حکایت دارد که تجارتي مورد نظر عهدنامه است که در منطقه دریای سرزمینی ایران صورت گیرد در حالیکه سکوها نفتی خارج از دوازده مایل دریای سرزمینی ایران و در منطقه انحصاری - اقتصادی مستقر بوده‌اند.

در واقع، وکلای آمریکا بر این باور بودند که چون دولت ساحلی مطابق با کنوانسیون ۱۹۸۲ دریاها بر محدوده دریای سرزمینی خود حق حاکمیت دارد و در محدوده منطقه انحصاری - اقتصادی از حقوق حاکمه بر منابع کف و زیر کف بستر دریا بهره مند می‌باشد، بنابراین بدلیل واقع شدن سکوها مزبور خارج از دریای سرزمینی، نمی‌توان آن‌ها را تحت قلمرو دریایی ایران بشمار آورد؛ در نتیجه از شمول «قلمرو» ذکر شده در بند ۱ ماده ۱۰ عهدنامه خارج است. ضمن اینکه ایران از این سکوها برای اهداف نظامی استفاده کرده است. بنابراین در زمان حمله آمریکا، این سکوها در راستای انجام دادن فعالیت تجاری خود نبوده‌اند. دیوان پیش از پرداختن به جزئیات ادعای ایران، بیان می‌دارد که ایالات متحده نتوانسته است مدارکی دال بر وجود ادوات نظامی بر روی سکوها به منظور توجیه ادعای

۱. سادات میدانی، همان، ص ۴۷

خویش مبنی بر نظامی بودن این تاسیسات ارائه نماید و به همین دلیل نمی توان آنها را خارج از شمول حمایت بند ۱ ماده ۱۰ عهدنامه، بشمار آورد.

ایالات متحده استدلال می‌کرد که به هیچ وجه نقض تعهد بند ۱ ماده ۱۰ عهدنامه، صورت نگرفته است، زیرا حتی در صورت پذیرش ایراد ایجاد خلل توسط حملات به آزادی تجارت، این مداخله به آزادی تجارت بین سرزمین‌های دو کشور متعاهد خدشه‌ای وارد نساخته است. زیرا اولاً در خصوص حملات ۱۹ اکتبر ۱۹۸۷ به سکوی رسالت، ایالات متحده معتقد است که این سکوها در حال بازسازی در اثر حملات نیروهای عراقی بوده‌اند و در نتیجه در امر تجارت بین دو کشور نقش نداشته‌اند. ثانیاً در خصوص حملات ۱۸ آوریل ۱۹۸۸ به سکوهای نفتی سلمان و نصر، ایالات متحده به دستور العمل اجرایی شماره ۱۲۶۱۳ ایالات متحده در ۲۹ اکتبر ۱۹۸۷ که توسط رئیس جمهور وقت آمریکا (ریگان) امضا گردیده بود، استناد می‌نمود که به موجب این دستور العمل، واردات کالاهای ایران به آمریکا ممنوع می‌گردد. لذا در نتیجه وجود این تحریم، اساساً هیچ گونه تجارتی بین سرزمین‌های دو کشور وجود نداشته است که با این حملات به آن‌ها خلل وارد شود.<sup>۱</sup> در مقابل، ایران استدلال کرد که فرمان تحریم نفت ایران متضمن یک استثناست، مبنی بر اینکه چنانچه از نفت خام ایران، محصولات نفتی از کشور سومی به آمریکا وارد شود، مشمول تحریم‌های دولت آمریکا نخواهد بود؛ بنابراین، عملاً تجارتی هرچند غیرمستقیم بین ایران و آمریکا وجود داشته است که امکان دارد مشمول حمایت‌های مقرر در بند ۱ ماده ۱۰ معاهده موذت قرار گیرد.<sup>۲</sup> دیوان ضمن تایید دفاعیات، در مورد ادعای ایران مبنی بر تداوم جریان صادرات نفت به آمریکا به رغم تحریم این کشور، اشاره داشت که هیچ دلیلی وجود ندارد که این

1. I.C.J. Reports, 2003, para, 99

2. Ibid, Para, 97

ادعای ایران را زیر سؤال برد. بنابراین، دیوان حکم بر آن داد که تجارت غیرمستقیم از شمول ماده ۱۰ معاهده مودت خارج است و بنابر آن حسب دفاعیات طرفین، نهایتاً دیوان این گونه نتیجه‌گیری می‌کند که اقدامات نظامی آمریکا علیه سکوهاى نفتی ایران توانسته است اصل «آزادی تجاری» ایران را نقض کند، اما نظر به عدم فعالیت سکوها در امر تجارت نفت بین ایران و آمریکا، تخریب آنها از سوی ناوهای جنگی آمریکا «آزادی تجاری بین قلمرو دو دولت» مصرح در بند ۱ ماده ۱۰ معاهده مودت را نقض نکرده است. بنابراین، دیوان، به پذیرش ادعاهای ایران مبنی بر اینکه ایالات متحده اقدام به نقض تعهداتی کرده است که در برابر ایران به موجب بند ۱ ماده ۱۰ معاهده مودت بر عهده دارد، قادر نمی‌باشد. از این رو، ادعای ایران برای جبران خسارت نیز پذیرفته نیست.<sup>۱</sup> شاید بایستی ایران ادعا می‌کرد که: «درست است که در ۱۹ اکتبر، نفتی در سکوهاى رسالت و رشادت برای صدور و فروش به آمریکا وجود نداشت، ولی من در حال بازسازی بودم و این بازسازی‌ها در دست پایان بوده و به پایان کار رسیده بودیم و قرار بود روز ۲۴ اکتبر عملیات تولید و فروش از سر گرفته شود» منتها برای این حرف، دولت ایران بایستی یک شهادت نامه پیوست می‌کرد که چهار الی پنج کارشناس تایید می‌نمودند که این عملیات رو به پایان بوده و چهار روز دیگر این سکوها به کار می‌افتاده‌اند.<sup>۲</sup> در استدلال دیوان در خصوص رد درخواست غرامت از سوی ایران نکات زیر قابل تأمل است:

الف) به رغم اینکه دیوان در حکم خود صراحتاً فرمان تحریم خرید نفت ایران از سوی آمریکا را با معاهده مودت بین دو دولت مغایر دانست، لکن اظهار نمود

1. Ibid, Para, 99

۲. گزارش میزگرد تخصصی، بررسی رای دیوان بین المللی دادگستری در قضیه سکوهاى نفتی، مجله کانون وکلا، شماره ۱۸۴ و ۱۸۵.

که: دولت ایران تا کنون هیچ ادّعا و دادخواستی رسمی مبنی بر مغایرت تحریم‌ها با ماده ۱۰ معاهده مودّت ۱۹۵۵ م. ارائه نکرده و دیوان نیز در این مورد، استدلال کاملی را از ایران نشنیده است.<sup>۱</sup> به نظر می‌رسد عدم مخالفت جدّی حقوقی ایران با فرمان تحریم ایران توسط دولت ریگان، از نظر دیوان به معنای پذیرش تحریم‌ها از سوی ایران تلقّی گردیده است و شاید مناسب تر این بود که در متن دادخواست اولیه ایران به دیوان، « نقض تعهدات قراردادی از سوی دولت آمریکا در اعمال تحریم تجاری علیه ایران» نیز به عنوان یکی از خواسته‌های مستقل ایران ذکر می‌شد.<sup>۲</sup>

ب) اتخاذ رویه گزینشی دیوان نسبت به سکوه‌های نفتی ایران تأمل برانگیز است. بدین معنا که دیوان در مورد سکوه‌های نفتی «رشادت» و «رسالت» نظریه «تخریب قبلی از سوی عراق» و درخصوص سکوه‌های نفتی «سلمان» و «نصر» نظریه «عدم فعالیت تجاری در زمان تحریم خرید نفت ایران» را برگزید. با توجه به حجم اندک استدلالات دیوان در این خصوص (نسبت به سایر بندهای حکم دادگاه)، شواهد نشان می‌دهد که دیوان ابتدا نتیجه‌گیری کرده و سپس برای اثبات نتیجه، به دنبال ارائه ادّله بوده است. رهیافت شکلی دیوان در این مورد نیز قابل خدشه است؛ زیرا دیوان در حکمش واردات قابل توجه محصولات نفتی مشتق از نفت ایران به آمریکا را حتی پس از اعمال تحریم‌های تجاری دولت ریگان غیر قابل انکار دانست، اما با این حال، به عدم رابطه تجاری بین ایران و آمریکا در زمان وقوع حملات به سکوها حکم داد.<sup>۳</sup> توجه به این نکته ضروری است که استنکاف دیوان بین‌المللی دادگستری در صدور حکم پرداخت خسارت، صرفاً به استناد

1. I.C.J. Reports, 2003, para, 94

۲. پاک شیر، همان، صص، ۸۵ و ۸۶

3. I.C.J. Reports, 2003, para, 96

محدودیت‌های صلاحیتی ناشی از تفسیر عبارات و مضامین مندرج در بند ۱ ماده ۱۰ معاهده موذت بین دو دولت صورت گرفته است؛ به عبارت دیگر، دیوان درخواست غرامت از سوی ایران را به استناد عدم نقض عبارت «آزادی تجاری بین قلمرو دولتین» مندرج در ماده ۱۰ معاهده موذت از سوی آمریکا رد کرده است؛ بنابراین با توجه به بند ۱ حکم نهایی دیوان مبنی بر «دفاع مشروع نبودن اقدامات نظامی آمریکا»، رد دادخواست غرامت را نباید به هیچ وجه به معنای نفی کامل احتمال صدور حکم پرداخت خسارت از سوی یک مرجع قضایی و یا داوری دیگر تلقی کرد.

### ب) رد دادخواست غرامت آمریکا

یکی از تاکتیکهای حقوقی و کلای دولت آمریکا در پرونده سکوهای نفتی، طرح ادعای متقابل در برابر دادخواست اولیه دولت ایران بود. بدین معنا که آمریکا نیز از دیوان درخواست کرد:

اولاً، جمهوری اسلامی ایران به دلیل حمله به کشتی‌ها و مین‌گذاری در خلیج فارس، ناقض ماده ۱۰ معاهده موذت ۱۹۵۵ م. شناخته شود. ثانیاً، ایران مکلف گردد به دلیل ایراد صدمات وارده به کشتیهای دارای پرچم آمریکا (ویا به گونه‌ای مرتبط با آمریکا) خسارت پرداخت کند.<sup>۱</sup>

استدلال و کلای خارجی دولت ایران در مقابل دو خواسته پیش گفته چنین بود: اولاً، دولت آمریکا ادعای متقابل خود را بدون رعایت ملزومات مفاد بند ۲ ماده ۲۱ معاهده موذت ۱۹۵۵ م. مبنی بر «ضرورت مذاکره قبل از طرح دعوا در دادگاه ارائه کرده است. ثانیاً، دولت آمریکا مدعی الزام ایران به پرداخت خسارت به

1. Ibid, Para, 101

کشتهای کشورهای ثالث (باهاما، پاناما، انگلستان، لیبریا و...) شده است که در اثر جنگ نفت کشها آسیب دیده بودند. در حالی که این الزام در معاهده مودت پیش‌بینی نشده است و کشورهای مالک کشتیهای خسارت دیده نیز طرف دعوا در این پرونده نیستند. ثالثاً، براساس ماده ۸۰ آیین دادرسی دیوان، طرح ادعای متقابل باید در راستای ادعای اولیه مطرح شده از سوی ایران، یعنی نقض «آزادی تجاری» باشد، در حالی که ادعای متقابل آمریکا مبنی بر نقض «آزادی کشتیرانی» صورت گرفته است.<sup>۱</sup> دیوان بین‌المللی دادگستری ضمن رد اعتراضات ایران به صلاحیت دیوان در رسیدگی به ادعای متقابل آمریکا اعلام کرد که وجود اختلاف میان ایران و آمریکا بر سر مسائل مطروحه در دعوای متقابل به اثبات رسیده است که نشان دهنده عدم حل و فصل رضایت بخش اختلاف، پیش از ارجاع آن به دیوان است.

دیوان همچنین بر این نکته تصریح کرد که به رغم آنکه دولت آمریکا در لوایح اولیه خویش به طور عام بر «خسارات وارده بر امر تجارت» در خلیج فارس تأکید داشته است، اما در دادخواست نهایی خود، خسارات وارده بر امر کشتیرانی و تجارت در قلمرو ایران و آمریکا را مطالبه کرده است؛ لذا خواسته آمریکا، پی‌گیری خسارات وارده بر کشتی‌های کشورهای ثالث در خلیج فارس را دربرندارد. از نظر دیوان، شرط اثبات نقض تعهد قراردادی از ناحیه ایران به موجب بند ۱ ماده ۱۰ معاهده مودت مستلزم دو ادعاست که بار اثبات هر دو نیز به عهده دولت آمریکاست (۱) آزادی تجاری یا کشتیرانی بین قلمرو دو دولت ایران و آمریکا مخدوش شده باشد (۲) نقض آزادیها قابلیت انتساب اقدامات به ایران را داشته باشد. دیوان پس از بررسی جزئیات هر کدام از حوادث پیش گفته، در نهایت چنین نتیجه‌گیری کرد که صرف نظر از ناو جنگی آمریکا که مطلقاً مشمول حمایت‌های

۱. به موجب ماده ۸۰ آیین دادرسی دیوان بین‌المللی دادگستری، «دعوای متقابل زمانی قابل طرح است که مستقیماً با موضوع ادعای طرف دیگر در ارتباط بوده و در حیطه صلاحیتی دیوان نیز قرار داشته باشد»



مقرر در بند ۱ ماده ۱۰ معاهده مودت نیست، هیچ یک از کشتی‌های آسیب دیده دیگر که به ادعای آمریکا مورد حمله ایران قرار گرفته اند، نیز به امر کشتیرانی و یا تجاری بین ایران و آمریکا مشغول نبوده اند؛ بنابراین، نقض بند ۱ ماده ۱۰ صورت نگرفته است.

### ج) رد ادعای دفاع مشروع امریکا

دولت آمریکا در لایحه دفاعیه خود در بیان علت تخریب چهار سکوی نفتی ایران به «قاعده حقوقی دفاع مشروع» متوسل شد. قاعده ای که در کلیه نظامهای حقوقی کشورها و همچنین در حقوق بین‌المللی کاملاً رسمیت دارد. از نظر ایران، اقدامات نظامی آمریکا، ناقض آزادی تجاری مصرح در بند ۱ ماده ۱۰ معاهده مودت است، اما از نظر آمریکا حتی اگر چنین نقضی صورت گرفته باشد، استثنای مندرج در تبصره «د» بند ۱ ماده ۲۰ معاهده مودت<sup>۱</sup>، تخریب سکوها را مشروع دانسته است. بنابراین دیوان بین‌المللی دادگستری باید به منظور تشخیص نقض تعهدات قراردادی مندرج در بند ۱ ماده ۱۰ معاهده مودت، اقدامات نظامی آمریکا علیه سکوه‌های نفتی ایران را با تصریحات مندرج در بند ۱ ماده ۲۰ همان معاهده مطابقت می‌داد.

وکلاي دولت آمریکا در جریان دادرسی، نکته حقوقی مهمی را مطرح کردند که عبارت بود از آنکه، این بود که دیوان باید مشروعیت یا عدم مشروعیت حمله به سکوها را نه براساس قواعد عام حقوق بین‌الملل، بلکه در چارچوب تفسیر الفاظ و عبارات مندرج در بند ۱ ماده ۲۰ معاهده مودت مورد ارزیابی قرار دهد. از نظر

۱. این استثنای مندرج در تبصره «د» اشعار می‌دارد که اجرای این معاهده مانع از انجام اقداماتی نمی‌شود که برای حمایت از منافع حیاتی امنیتی هر یک از دولت‌های متعاقد ضروری می‌باشد.

ایران، تخریب سکوها به معنای استفاده و توسل نامشروع به زوری بوده است که در «منشور ملل متحد» و «قواعد عرفی بین المللی» منع شده است.

دیوان ضمن ردّ استدلال آمریکا و با استناد به رویه قضایی خود در پرونده اقدامات نظامی و شبه نظامی علیه نیکاراگوئه ۱۹۸۶ و همچنین ماده ۳۱ کنوانسیون ۱۹۶۹ م. حقوق معاهدات، اعلام کرد که هنگام تدوین معاهده موذت، قصد دو طرف مستثنا کردن اعمال قواعد حقوق بین الملل در هنگام استفاده از زور نبوده است؛ بنابراین، اقدامات نظامی صورت گرفته از سوی آمریکا در تخریب سکوها‌های نفتی را باید با توجه به تفسیر بند ۱ ماده ۲۰ معاهده موذت و در پرتو قواعد عرفی و قراردادی حقوق بین الملل در خصوص «استفاده از زور در مقام دفاع مشروع» مورد ارزیابی قرار داد. بعلاوه در نامه نماینده دائم دولت آمریکا در سازمان ملل متحد، در روز وقوع حمله به سکوها، برای شورای امنیت سازمان ملل متحد، اعمال دفاع مشروع با استناد به ماده ۵۱ منشور ملل متحد<sup>۱</sup> (و نه بند ۱ ماده ۲۰ معاهده موذت ۱۹۵۵) به عنوان مبنای حقوقی اقدامات مسلحانه آمریکا ذکر شده بود. دیوان پس از بررسی ادله دو طرف، ادعای دولت آمریکا را مبنی بر حمله موشکی ایران از سکوی نفتی «رشادت» به کشتی سی ایل سیتی نپذیرفت و بیان نمود:

«دیوان با دقت زیاد، اسناد و استدلالات ارائه شده از هر طرف را مورد ارزیابی قرار داده است و به این نتیجه رسید که ادله ارائه شده برای ادعای ایالات متحده مبنی بر مسئولیت ایران به سبب حمله به کشتی سی ایل سیتی کافی نیست؛ بنابراین، دیوان به این نتیجه رسید که دلایل متقنی مبنی بر حمله مسلحانه ایران به آمریکا در قالب حمله موشکی به کشتی سی ایل سیتی وجود نداشته و اقامه نشده است.»<sup>۲</sup>

۱. ماده ۵۱ منشور ملل متحد تصریح می کند: «... هیچ یک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع از خود، خواه فردی یا دسته جمعی لطمه ای وارد نخواهد کرد»

2. I.C.J. Reports, 2003, para.61.

دیوان سپس نتیجه‌گیری کرد که شرط استناد به امر دفاع مشروع، مستلزم وقوع حمله مسلحانه قابل انتساب به ایران علیه دولت آمریکاست؛ بنابراین، طبق ماده ۵۱ منشور ملل متحد، مسلحانه بودن حمله، شرطی اساسی و بدیهی است که از نظر دیوان، آمریکا نتوانسته است مسلحانه بودن حملات واقع شده به کشتیهای آمریکایی را اثبات کند. دیوان ضمن برشمردن شرایط مشروعیت دفاع در حقوق بین‌الملل، یعنی «اصول ضرورت و تناسب» اعلام کرد که:

«به هر حال، حتی با پذیرش ادعای آمریکا نیز دیوان، خود را به پذیرش این استدلال که حمله به سکوها با استناد به دفاع مشروع قابل توجیه است، موظف نمی‌داند؛ چرا که در هر دو قضیه حمله به نفت کش کویتی سی ایل سیتی و مین‌گذاری ناو Uss Samuel B. Roberts، دیوان معجب نمی‌شود که حمله به سکوها برای پاسخ به آن حوادث، ضروری بوده است...، به هر حال، در مورد حملات ۱۸ آوریل ۱۹۸۸ م. که در پاسخ به مین‌گذاری نامشخصی صورت پذیرفت و به خسارت شدیدی که به غرق شدن کشتی و مرگ خدمه آن منجر شد، منتهی نگردید، نه کل عملیات Operation Praying Mantis و نه آن بخشی را که به نابودی سکوهای «سلمان» و «نصر» منجر شد، نمی‌توان در وضعیت این قضیه به عنوان یک عمل متناسب با توسل به زور در مقام دفاع مشروع در نظر گرفت.»

دیوان همچنین با توجه به مواردی چون عدم کفایت ادله آمریکا مبنی بر ضرورت انهدام سکوهای نفتی، اعلام «پنتاگون» مبنی بر عدم پیش‌بینی و برنامه‌ریزی قبلی برای انجام اقدامات نظامی علیه فاز R-4 سکوی نفتی «رشادت» و همچنین وسعت و گستردگی عملیات صورت گرفته اعلام کرد:

۱. علاوه بر سکوها، دو فروند ناو جنگی و تعدادی هواپیما و کشتی ایرانی نیز تخریب شده بودند.

- «الف) اقدامات نظامی آمریکا علیه سکوهای نفتی ایران را به استناد بند ۱ ماده ۲۰ معاهده مودت ۱۹۵۵ م.، نمی‌توان اقدامی ضروری برای حفظ منافع حیاتی امنیتی آمریکا و قابل توجیه دانست.
- ب) اقدامات پیش گفته، توسل به زوری است که فاقد شرایط لازم و ضروری حق دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل است.»

### نتیجه‌گیری نهایی

هر چند دیوان بین‌المللی دادگستری در حکم نهایی خود در قالب الفاظ و عبارات حقوقی به خواسته‌های رسمی ایران پاسخ منفی داد، با ظرافت خاصی به خواسته ضمنی ایران که اعلام عدم مشروعیت حملات نظامی آمریکا به سکوهای نفتی جامه عمل پوشاند و بخش عظیمی از استدلال‌های خود را به آن اختصاص داد. بنابراین اولین نکته در ارزیابی حکم دیوان این است که هر چند دیوان به دلیل محدودیت‌های صلاحیتی نتوانست به خواسته‌های صریح و رسمی ایران واکنش مناسبی نشان دهد، در بُعد ایفای وظیفه ثانوی خود، تنویر و تبیین قواعد حقوق بین‌الملل، خواسته ضمنی ایران را که تبلوری آشکار و رسمی نیز نداشت، محقق ساخت. به علاوه، دیوان در استدلالات مفصل خود شرایط مشروعیت دفاع در حملات آمریکا به سکوهای نفتی را احراز نکرد و به این وسیله، دولت آمریکا را هرچند به صورت غیر مستقیم، ناقض ماده ۵۱ منشور ملل متحد شناخت. با این همه نباید حکم دیوان را خالی از نقص دانست. دیوان در نتیجه‌گیری نهایی خود با برداشتی کاملاً بسته از مفهوم تجارت در ماده ۱۰ معاهده، یافته خود را بسیار محدود کرد و به این دلیل نقض آزادی تجاری از سوی ایالات متحده آمریکا را محرز ندانست؛ به بیان دیگر، دیوان تلقی خود را از کلمه تجارت به «تجارت روزمره طرفین» محدود کرد، در حالی که آنچه در ماده ۱۰ معاهده مودت مورد تصریح

است، تضمین آزادی تجاری به طور عام و نه صرفاً عمل فیزیکی تجارت می‌باشد؛ بنابراین، استدلال دیوان که «فقدان رابطه تجاری بالقوه بین ایران و آمریکا موجبات نقض آزادی تجاری ایران را در اثر حملات ایالات متحده به سکوهای نفتی فراهم نیاورده است» کاملاً قابل‌خنده است. علاوه بر این، دیوان برداشت خود را از کلمه تجارت، صرفاً به تجارتهای مستقیم و بلاواسطه محدود کرد، در حالی که از بند ۱ ماده ۱۰ معاهده مودت چنین تفسیر محدودی برداشت نمی‌شود.

دیوان علی‌رغم اینکه حمله آمریکا را به سکوهای نفتی ایران دفاع مشروع نمی‌داند ولی این کشور را هم وادار به جبران خسارت نمی‌کند، که البته این نظر رای کاملی نیست. زیرا دیوان می‌توانست مبنای صلاحیتی وسیع‌تری برای خود تعریف کند و به جای اینکه تنها حقوق بین‌الملل نهادینه را در نظر بگیرد حقوق بین‌الملل عرفی را مبنای کار خود قرار دهد.

هر چند این رای به عقیده برخی از حقوقدانان نقاط مثبت زیادی دارد لکن از نظر نگارنده و با توجه به عدم قائل نشدن حقی برای طرفین دعوی، به دلیل تفسیر مضیق از صلاحیت خود در این امر و استناد به عهدنامه ۱۹۵۵ مودت بین ایران و آمریکا، این تفکر را تقویت می‌کند که دیوان، به نوعی اقدام به مصالحه سیاسی نموده است.

## منابع کتاب‌ها

- ۱- افتخار جهرمی، گودرز، سالنامه ایرانی حقوق بین‌الملل و تطبیقی، چاپ اول، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۴.
- ۲- عباسی، سید باقر، دادرسی‌های بین‌المللی دیوان بین‌المللی دادگستری، جلد دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۷.

۳- ممتاز، جمشید، **رای دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه سکوهای نفتی**، چاپ اول، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴.

#### مقالات

۴- پاک شیر، محمد علی، «**ارزیابی حکم قطعی دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص پرونده سکوهای نفتی ایران**»، مجله هیأت و حقوق، شماره ۱۳، ۱۳۸۳.

۵- جوانمرد، مجید، «**رسیدگی قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری به قضیه سکوهای نفتی جمهوری اسلامی ایران**» مجموعه مقالات پیرامون رای دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه سکوهای نفتی، شماره ۲۶، ۱۳۸۴.

۶- حکم صلاحیتی **دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه سکوهای نفتی (دعوی جمهوری اسلامی ایران علیه ایالات متحده آمریکا)**، ترجمه محسن محبی، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، شماره ۴.

۷- رضایی، صالح، «**تأملی بر رای ۶ نوامبر ۲۰۰۳ دیوان بین‌المللی دادگستری در مورد سکوهای نفتی، نگین ایران**» شماره ۶، ۱۳۸۲.

۸- سادات میدانی، حسین، «**گزارش‌های انتخابی از نمایندگیهای جمهوری اسلامی ایران: فرجام چهارمین حضور ایران در محضر دیوان بین‌المللی دادگستری: قضیه سکوهای نفتی**»، مجله رویدادها و تحلیل‌ها، شماره ۱۷۵، ۱۳۸۲.

۹- سیفی، سید جمال، «**رای دیوان دادگستری بین‌المللی در قضیه سکوهای نفتی: دیپلماسی قضائی در دادرسی بین‌المللی**»، پژوهش‌های حقوقی، سال دوم، شماره ۴، ۱۳۸۲.

۱۰- موحد، محمد علی، «**گزارشی از دعوی ایران در دیوان بین‌المللی دادگستری علیه ایالات متحده آمریکا در رابطه با انهدام سکوهای نفتی**»، نشریه تحقیقات حقوقی، شماره ۳۹، ۱۳۸۳.

۱۱- بی‌نا، «**گزارش میزگرد تخصصی بررسی رای دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه سکوهای نفتی**»، مجله کانون وکلا، شماره ۱۸۴ و ۱۸۵، ۱۳۸۳.

#### خبرگزاری‌ها

۱۲- شبکه اطلاع‌رسانی نفت و انرژی، **رای دیوان بین‌المللی دادگستری در مورد حمله آمریکا به سکوهای نفتی**، ۱۲۱۱۴، ۱۳۸۲/۱۰/۱۹.

اسناد

۱۳- عهدنامه دوجانبه مودت، روابط اقتصادی و حقوق کنسولی منعقدہ در ۱۹۵۵ میلادی

منابع لاتین

**Books**

- 14- Alexander Orakhelashvili, **Oil Platforms, Merits**, Judgment of 6 November 2003, *International and Comparative Law Quarterly*, 2003.
- 15- Alexander Orakhelashvili, **The International Court And 'Its Freedom To Select The Ground Upon Which It Will Base Its Judgment**, *International and Comparative Law Quarterly*, vol 56, January 2007.
- 16- Caroline E. Foster, **The OIL PLATFORMS Case and the Use of Force in International Law**, *Singapore Journal of International & Comparative Law* 2003.
- 17- Stewart M. Young, **Destruction Of Property (On An International Scale): The Recent Oil Platforms Case And The International Court Of Justice's Inconsistent Commentary On The Use Of Force By The United States**, 2004.

**Documents**

- 18- I.C.J. Reports, Case concerning Oil Platforms, Islamic Republic of Iran vs. United States of America, 6 Nov. 2003